

هر گونه زیاده عرفی مصداق ربا خواهد بود

۹ تصور اشتباه درباره ربا

❑ ربوی بودن و نبودن یک معامله به ماهیت قرارداد ارتباط پیدا می کند، نه اینکه سود آن متغیر باشد یا ثابت



قرآن کریم شدیداً ربا را مذموم دانسته و آن را تحریم کرده است؛ در این کتاب آسمانی حدود ۱۲ آیه در مورد ربا آمده است که نوع بیان درباره آن به مراتب از سایر گناهان کبیره همانند زنا و شرب خمر شدیدتر است و این امر نشان می دهد که ربا در نزد خداوند به شدت مغضوب بوده و حرمت آن همانند سایر محرمات نیست

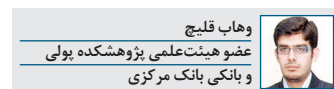
قرار نمی گیرند. دوم آنکه زیاده ای هر چند عرفی بر اصل قرض افزوده شود و سوم اینکه این زیاده شرط شده باشد؛ یعنی اگر قرض گیرنده به صلاحدید و اختیار خود خواست اضافه ای را به قرض دهنده بدهد مانعی ندارد (بلکه مستحب و توصیه شده هم هست. در متون اسلامی اسم این عمل را «حُسن القضا» گذاشته اند که به معنای نیکو جبران کردن است). ولی اگر پرداخت این زیاده شرط شده باشد، مصداق ربای قرضی بوده و حرام خواهد شد. نکته مهم و قابل توجه آن است که برای رخدای ربای قرضی حتماً باید هر سه شرط اتفاق افتاده باشد؛ و الا اگر در معامله ای یکی از این شروط وجود نداشته باشد، ربای قرضی اتفاق نیفتاده است.

ب) ربای جاهلی: این ربا عبارت است از «افزایش مبلغ دین و بدهی در مقابل تمديد مهلت بازپرداخت». به عنوان نمونه اگر فردی طی هر قراردادی اعم از قرض و غیر قرض، موظف شده است که بدهی ای را پرداخت کند ولی درازای افزایش میزان بدهی، تقاضای افزایش مهلت بازپرداخت نماید، آن مقدار اضافه شده بر اصل دین و بدهی جزو ربای جاهلی است. به عنوان نمونه، فرد

مختص دین اسلام نیست و همه آئین ها، ادیان و اندیشمندان در طول تاریخ، ربا را امری مذموم و ناپسند برشمردند و آن را نکوهش کرده اند. البته این نکوهش و بیزاری جستن در دین اسلام بسیار شدیدتر است. قرآن کریم شدیداً ربا را مذموم دانسته و آن را تحریم کرده است؛ در این کتاب آسمانی حدود ۱۲ آیه در مورد ربا آمده است که نوع بیان درباره آن به مراتب از سایر گناهان کبیره همانند زنا و شرب خمر شدیدتر است و این امر نشان می دهد که ربا در نزد خداوند به شدت مغضوب بوده و حرمت آن همانند سایر محرمات نیست.

اما از لحاظ فقه شیعه مفهوم ربا که توأم با حرمت است به سه دسته تقسیم می شود:

الف) ربای قرضی: این ربا که در حرمت آن اختلافی بین فقها نیست و می توان آن را اجماعی دانست عبارت است از «اشرطاً هر نوع زیاده در عقد قرض». یعنی برای رخدای این ربا باید سه شرط تحقق یافته باشد. اول آنکه عقد قرض باشد، بنابراین بحث سایر قراردادهای مثل جعاله، فروش اقساطی، مضاربه، مراهجه، خرید دین و... از این موضوع جدا بوده و تحت ربای قرضی



بنده سه میلیون تومان از بانک وام گرفته ام و باید پنج میلیون تومان برگردانم؛ آیا این ربا در بانکداری کشور نیست؟ آیا نرخ سود بالای بانکی، نشانه ربوی بودن نظام بانکی ما نیست؟ چرا کشورهای غربی با سه درصد سود وام، ادعای اسلامی بودن ندارند ولی نظام بانکی ما با نرخ های بالای بیست درصد خود را اسلامی و غیر ربوی می داند؟

سؤالات فوق از جمله پرسش هایی است که هر روزه از سوی مشتریان نظام بانکی طرح می شود. سؤالاتی که در کنار اینکه نشانگر نارضایتی افراد از عملکرد نظام بانکی است حاوی نکته های مهم تر و دقیق تر نیز است و آن اینکه عموم افراد تعریف صحیح و علمی از ربا ندارند و بر هر مازاد پرداختی در وام که آن را نامنصفانه بدانند مَهْر ربا می زنند. در این یادداشت قصد داریم مفهوم ربا را به زبان ساده طرح نموده و به برخی از تصورات غلط و نادرست در این زمینه پاسخ دهیم.

ربا در لغت به معنای زیادی و نمو و رشد است، این کلمه در معنی لغوی گاهی به معنی رشد طبیعی و ذاتی به کار رفته است، مانند آیه ۵ سوره حج: (و تری الأرض هامده فإذا أنزلنا علیها الماء اهتزت و ربت: زمین آنگاه که بر آن باران فرو باریم، خرم شود و به طور طبیعی نمو کند) و گاهی نیز به معنی زیادی و افزایشی که از مقارنه و مقایسه دو چیز برداشت می شود، به کار گرفته شده است، مانند آیه ۹۲ سوره نحل: (أن تکون امة هی اربی من امة) که به معنای تفوق و فزون تر بودن قومی بر قوم دیگر است (تفوقی که بر اثر پیمان گریزی و عهدشکنی ایجاد شده است).

مسلم است که مقصود از ربا که در اسلام مورد نفی و حرمت قرار گرفته است معنای لغوی آن نیست، چرا که در شرع اطلاق زیادت به شکل عمومی محدود به کلمه ربا نیست. نکته جالب آن است که حرمت ربا





یک تصور غلط که وجود دارد آن است که هر نوع سود و زیاده‌ای را با دانسته و آن را محکوم به حرمت می‌داند. این تصور بر این باور است که هر تسهیلاتی با هر عقد و قراردادی را باید به همان اندازه و مبلغ دریافتی، بازپرداخت نمود و هرگونه سود بر اصل تسهیلات را است!

باید امروز یک میلیون تومان بدهی خود را بپردازد اما به طلبکار می‌گوید اگر به من یک ماه فرصت بدهی، من یک میلیون و صد هزار تومان پس می‌دهم. این صد هزار تومان اضافه مصداق ربای جاهلی است.

ج) ربای معاوضی: این ربا که به ربا می‌شود که «معامله دو شئی هم‌جنس از اشیای مکمل یا موزون همراه با زیاده»، مثلاً فرد یک کیلوگرم برنج را با دو کیلوگرم از همان برنج معاوضه می‌کند، یا که یک کیلوگرم برنج را با یک کیلوگرم از همان برنج علاوه هزار تومان مورد معامله قرار می‌دهد. یک موضوع مهم در ربا معاوضی این است که این نوع ربا اختصاص به قرارداد بیع ندارد و در هر معامله‌ای ممکن است به وجود بیاید. مثلاً اگر دو نفر خارج از قرارداد بیع، یک کیلوگرم برنج را با دو کیلوگرم از همان برنج مصالحه کنند باز هم مشمول ربا معاوضی و حرمت آن قرار خواهند داشت.

در اینجا مشخص می‌شود که ربا در نظام مالی به راحتی به هر نوع زیاده‌ای تعلق نمی‌گیرد. قرض تنها یکی از عقود است و سایر عقود شرعی همانند عقود مبادله‌ای و عقود مشارکتی می‌تواند مستلزم سود بوده و از دریافت‌کننده وام اضافه بر اصل تسهیلات، سودی نیز گرفته شود. دقیقاً مانند یک فروشنده لوازم خانگی که کالا را با قیمت n تومان خریده و سود خود (m) را بر روی آن کشیده و با ملاحظه سایر شرایط، آن را به قیمت $n+m$ تومان به مشتریان می‌فروشد. بدیهی است این m تومان اضافه به هیچ‌عنوان ربا نخواهد بود. حال در ادامه به برخی از تصورات غلط رایج در جامعه در خصوص ربا اشاره می‌کنیم:

۱) یک تصور غلط که وجود دارد آن است که هر نوع سود و زیاده‌ای را ربا دانسته و آن را محکوم به حرمت می‌داند. این تصور بر این باور است که هر تسهیلاتی با هر عقد و قراردادی را باید به همان اندازه و مبلغ دریافتی، بازپرداخت نمود و هرگونه سود بر اصل تسهیلات ربا است! همان‌طور که در تشریح انواع سه‌گانه ربا توضیح داده شد، این تصور تنها برای عقد قرض صحیح است و این در حالی است که عمده وام تسهیلات بانکی برحسب عقود دیگر همچون فروش اقساطی و یا جعله پرداخت می‌شود که در دسته‌بندی معاملات جزو عقود سودآور بوده و منع شرعی ندارد. در این قراردادها تنها بایستی شرایط انعقاد قرارداد مانند رعایت اختیار متعاملین، وجود قصد و نیت واقعی، صرف

تسهیلات در موضوع مورد قرارداد، عدم غرر و جهل و... رعایت شود. اسلام، کسب سود در چارچوب عقود اسلامی با حفظ شرایط قرارداد را مشروع و حلال می‌داند و هیچ‌گاه به دنبال این نیست که راه کسب سود و درآمدزایی از سرمایه را ببندد، بلکه همواره تشویق به کسب سود از طریق عقود و معاملات مشروع نموده است. لازم به ذکر است که در اقتصاد دو نوع بهره وجود دارد: بهره طبیعی یا واقعی، که بازدهی عامل سرمایه در فعالیت اقتصادی است که ارتباطی به ربا ندارد و با عنوان «سود» معرفی می‌شود، دوم، بهره قراردادی، درآمدی که صاحب سرمایه در قراردادهای رسمی، در برابر واگذاری سرمایه خود به غیر، مطالبه می‌کند، اگر قراردادی در قرارداد قرض باشد با ربا یکی خواهد بود.

۲) تصور غلط دیگر که در مورد قراردادهای مالی مطرح می‌شود آن است که شرع سود ثابت را ربا می‌داند و سود شرعی را به نوعی سود متغیر و غیر ثابت عنوان می‌کند. این فرضیه نیز فرضیه باطل و نادرستی است. از نظر شرع اگر قرارداد منعقد یک قرارداد قرض باشد، سود شرط شده در آنچه ثابت باشد و چه متغیر، ربا است و باید از آن پرهیز داشت؛ اما چنانچه قرارداد منعقد، قرض نبود و قراردادی مانند خرید و فروش، اجاره یا مشارکت بود، سود آنچه ثابت باشد و چه متغیر، ربا صورت نگرفته است. از این رو باید توجه داشت که ربوی بودن و نبودن یک معامله به ماهیت قرارداد ارتباط پیدا می‌کند، نه اینکه سود آن متغیر باشد یا ثابت.

۳) تصور غلط دیگر آن است که برخی از افراد زیاد و فاحش بودن نرخ سود را مصداق ربا می‌دانند در حالی که ربا بودن ربطی به کم و یا زیاد بودن آن ندارد. به بیان دیگر یک درصد سود مشروط بر روی عقد قرض ربا است، ولی بیست درصد سود تعیینی بر روی قرارداد فروش اقساطی ربا نخواهد بود. البته ربا نبودن سود بالا به معنای صحت و شرعیت بخشیدن به آن نیست. چه بسا بر اساس سایر قواعد فقهی همچون قاعده عدل و انصاف بتوان نرخ سود بالا را دارای شبهه شرعی دانست اما قدر مسلم آن است که بالا بودن نرخ سود به خودی خود باعث ربوی شدن آن نمی‌شود. از این رو این انتقاد که چرا بانک‌های ایران علی‌رغم اسلامی بودن نرخ سود پرداختی بیشتری نسبت به بانک‌های غربی و غیر اسلامی دارند که تحت سیستم اقتصاد ربوی اداره می‌شوند، از لحاظ فنی و

از حیث تعریف ربا وارد نیست. افزون بر این باید بیان داشت که در محاسبات و مقایسه سود بانک‌ها با یکدیگر باید نرخ سود واقعی را در نظر داشت. در اقتصاد کشورهای غربی که تورم حدوداً سه درصدی دارند دریافت نرخ سود اسمی پنج درصدی معادل $+2$ درصد سود واقعی است در حالی که در اقتصادی با تورم بیست درصدی اخذ سود اسمی هجده درصدی به معنای -2 درصد سود واقعی است. بنابراین ملاحظه می‌شود که گرچه نرخ سود اسمی 18 درصد بسیار بیشتر از نرخ سود 5 درصد است اما کسر نرخ تورم از آن و لحاظ نرخ سود واقعی، حقیقتی کاملاً معکوس را به نمایش می‌گذارد.

۴) تصور غلط دیگر آن است که زیاده‌ای که منجر به ربا می‌شود را محصور و محدود به پول می‌داند؛ این در حالی است که هرگونه زیاده عرفی مصداق ربا خواهد بود. به عنوان مثال در ربا نوع اول (ربای قرضی) قرض‌دهنده یک میلیون تومان را قرض می‌دهد و در ضمن آن شرط می‌کند که قرض‌گیرنده در سررسید افزون بر آنکه یک میلیون تومان را بازپرداخت می‌کند خانه‌اش را هم به مدت یک سال در اختیار قرض‌دهنده قرار دهد یا آنکه خدمتی را به وی ارائه نماید. گرچه مازاد مشروط در اینجا پول نیست اما چون عرف آن را یک نوع زیاده بر قرض می‌داند آن نیز شامل تعریف ربا می‌گردد؛ و یا آنکه در ربا نوع دوم (ربای جاهلی) قرض‌گیرنده در سررسید به قرض‌دهنده اعلام کند که تو به من یک ماه مهلت بیشتر برای بازپرداخت بده و من در عوض برای تو یک کت و شلوار می‌دوزم. این زیاده نیز مصداق ربای جاهلی است و باید از آن پرهیز کرد.

۵) تصور دیگری که نادرست است آن است که «کارمزد» را جزو درآمدهای ربوی بر می‌شمارد. این تصور خصوصاً درباره بانک‌ها و صندوق‌های قرض‌الحسنه شدیدتر است. واقعیت امر آن است که یک بانک یا صندوق قرض‌الحسنه جهت انجام امور اداری و مالی در جهت ارائه خدمات بانکی متحمل هزینه‌هایی همچون خرید و اجاره ساختمان شعبه، هزینه برق و آب و تلفن، پرداخت حقوق و مزایای کارکنان و... است. از این رو بانک یا صندوق قرض‌الحسنه با دریافت کارمزد به نوعی هزینه ارائه خدمات را می‌گیرد و نه سود اضافه بر قرض را. البته لازم به ذکر است شرط صحت اخذ کارمزد، تناسب آن با میزان هزینه‌های ارائه خدمات



اسلام، کسب سود در چارچوب عقود اسلامی با حفظ شرایط قرارداد را مشروع و حلال می‌داند و هیچ‌گاه به دنبال این نیست که راه کسب سود و درآمدزایی از سرمایه را ببندد، بلکه همواره تشویق به کسب سود از طریق عقود و معاملات مشروع نموده‌است

لازم به اشاره است که تمامی پاسخ‌های بیان شده در فوق، مستند به استدلال‌های علمی بوده که در مقالات و تحقیقات پژوهشی به‌صورت تفصیلی طرح و بررسی شده است که در این نوشتار بنا بر اختصار از بیان مبسوط آن پرهیز شده است. از این‌رو جهت مطالعه بیشتر و دقیق‌تر خوانندگان علاقه‌مند به این مباحث، ایشان را به منابعی همچون موسویان (۱۳۸۶)، محمودی (۱۳۹۳)، میرزا خانی (۱۳۹۳)، نظریور و موسویان (۱۳۹۳) و ایروانی (۱۳۹۳) ارجاع می‌دهیم.

منابع:

ایروانی، جواد (۱۳۹۳)، آیا در بانکداری اسلامی بهره وجود دارد؟، مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
محمودی، سید احمد (۱۳۹۳)، حلیت ربای تولیدی و انتاجی در بوته نقد و بررسی، فصلنامه فقه و حقوق اسلامی، سال چهارم، شماره ۸.
موسویان، سیدعباس (۱۳۸۶)، نظریه‌های ربا و بهره، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۷.
میرزاخانی، رضا (۱۳۹۳)، شخصیت حقوقی و مسئله ربا، گزارش دفتر مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی، شماره ۱۴-۹۳، ۲۰۱۴.
نظریور، محمدنقی و موسویان، سیدعباس (۱۳۹۳)، بانکداری بدون ربا، از نظریه تا تجربه، قم: دانشگاه مفید قم.

منابع بانک می‌رسد. عموماً دولت‌ها سرمایه خود را به بانک نمی‌سپارد تا به‌صورت وام و اعتبار در اختیار بخش خصوصی قرار دهد، بلکه جریان برعکس است و دولت‌ها برای اجرای طرح‌های بزرگ و زیربنایی، منابع بخش خصوصی را از طریق بانک جذب می‌کنند. همچنین در تاریخ صدر اسلام باینکه در موردهای گوناگونی نقل شده که برای امور تجاری و بازرگانی از بیت‌المال قرض داده‌شده اما در هیچ‌یک نقل نشده که این موردها با بهره ربوی همراه بوده‌اند. تصور نادرست دیگر آن است که ربا را تنها به روابط مالی شخصیت‌های حقیقی محدود می‌داند و شخصیت‌های حقوقی را خارج از موضوع ربا برمی‌شمارد. در پاسخ باید گفت اگر بخواهیم از عنوان شخصیت حقوقی به معنای وسیع و گسترده امروزی آن در جوامع صدر اسلام سراغ بگیریم، باید بگوییم که چنین عنوانی با این اوصاف را در آن جوامع نمی‌توان یافت؛ ولی فکر شخصیت حقوقی در آن دوره نیز به‌صورت ابتدایی و نیمه متبلور وجود داشته است. اکثر فقها و حقوقدانان با قبول ملکیت برای شخصیت حقوقی، آن را پذیرفته و موضوع حق و تکلیف قرار داده‌اند؛ بنابراین شخصیت حقوقی نیز مانند شخصیت حقیقی، اهلیت تملک و مالکیت داشته و احکام فقهی و حقوقی که بر مالکیت بار می‌شود، شخصیت حقوقی را نیز شامل می‌شود. از جمله مهم‌ترین احکام مربوط به مالکیت، مسئله ربا است.

است و اخذ مبالغ بیشتر از حد متعارف، دارای اشکال و شبهه خواهد بود.

۶ دارد آن است که در شرایط تورمی، گرفتن مازاد وام قرض به‌اندازه تورم مشکلی ندارد و ربا محسوب نمی‌شود. این تصور غالباً در مبحثی با عنوان «جبران کاهش ارزش پول» طرح می‌شود و در بین فقها محل اختلاف جدی است. اما نظر غالب آن است که چنانکه در عقد قرض قدرت خرید قرض داده نشود و مبلغ اسمی در قرض ملاک واقع شود، صرف بروز تورم مجوز اخذ زیاده توسط قرض‌دهنده نیست. البته در شرایطی که نرخ تورم فاحش و بسیار زیاد باشد و مبلغ قرض داده شده دچار کاهش چشمگیر ارزش شود می‌توان بنا بر قاعده لا ضرر و لا ضرار، ضرر وارد شده به قرض‌دهنده را جبران نمود. مهم‌ترین توصیه واردشده در خصوص جبران کاهش ارزش پول، مصالحه است.

تصور اشتباه دیگری که وجود دارد آن است که ربا را محدود به «قرض مصرفی» می‌داند و با بیان اینکه اخذ زیاده مشروط در «قرض تولیدی» موجب ظلم نیست مدعی می‌شود که این زیاده در حیطة درآمد‌های ربوی قرار نمی‌گیرد و از مشروعیت برخوردار است. اما باید توجه داشت که ظالمانه بودن نمی‌تواند تنها علت تحریم ربا باشد، به‌نحوی که حکم حرمت تنها دایرمدار ظالمانه بودن قرار گیرد و لاغیر. بلکه نهایت چیزی که می‌توان بیان داشت این است که ظالمانه بودن ربا، حکمت تحریم آن است و نه علت انحصاری آن. از این جهت حکم تحریم نفیاً و اثباتاً به آن وابسته نیست؛ بنابراین ممکن است در ظاهر در قرض تولیدی زیاده مشروط گرفتن ظلم نباشد، ولی حکم تحریم را از آن منتفی نمی‌کند.

تصور اشتباه دیگر آن است که ربای ۸ بانکی را برای زیاده مشروط بر قرض در بانک‌های خصوصی می‌داند و از آنجاکه بانک‌های دولتی به بیت‌المال متصل هستند و بیت‌المال به همه مسلمانان تعلق دارد بانک‌های دولتی را از دایره ربای بانکی خارج می‌داند. اما باید توجه داشت که بانک‌های دولتی، درواقع بانک‌هایی با مدیریت دولتی هستند، اما از جهت منابع و شیوه کار همانند بانک‌های خصوصی رفتار می‌کنند؛ یعنی در این بانک‌ها نیز همانند بانک‌های خصوصی منابع اصلی بانک، متعلق به سپرده‌گذاران است و سرمایه دولت در بهترین وضعیت به ده درصد

